



Doi: 10.48310/RHE.2023.3573

## تأثیر داستان سرایی در تدریس و یادگیری درس تاریخ در مقاطع پایین تر بهاره چرخاب<sup>۱</sup> فهیمه چرخاب<sup>۲</sup>

کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان-اداره آموزش و پرورش شهرستان شوشتر<sup>۱</sup>

کارشناسی نرم افزار کامپیوتر-اداره آموزش و پرورش شهر اهواز<sup>۲</sup>

چکیده

تاریخ به عنوان حافظه فرهنگی جامعه انسانی و یکی از دروس مهم رشته انسانی، نقش مهمی را در جهت مطالعه و تغییر و تحولات جامعه انسانی ایفا می‌کند. امروزه اکثر دانش‌آموزان و حتی دانش‌پژوهان نسبت به کتاب تاریخ و مباحث مربوط به آن رغبت کمتری دارند. به همین جهت یکی از روش‌های بسیار موثر در جهت یادگیری مفیدتر و و علاقه‌مندی بیشتر محصلان به درس تاریخ، داستان‌گویی می‌باشد. نوع بیان معلم و استاد در این امر بسیار حائز اهمیت می‌باشد. یکی دیگر از عواملی که در اثر آن محصلان نسبت به درس تاریخ بی‌رغبت می‌باشند، این است که که معلمان به شیوه‌ی سنتی و طوطی‌وار این درس را آموزش می‌دهند و با سطحی تدریس دادن آن باعث خواهند شد تا دانش‌آموزان فقط به حفظ کردن این درس و کسب نمره در پایان سال تحصیلی قناعت کنند. هدف پژوهش تأثیر داستان‌گویی در یادگیری درس تاریخ می‌باشد. روش پژوهش به صورت تحلیلی- مروری و از نوع کیفی می‌باشد که در این بین، از مقالات و کتب معتبر در این زمینه استفاده شده است. نتیجه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که اگر معلمان و اساتید از روش‌های بروز و جدید برای بهتر شدن عملکرد خود در درس تاریخ استفاده کنند، نه تنها علاقه‌مندی محصلان را نسبت به این درس دو چندان می‌کنند، بلکه موجب پویایی و فعالیت بیشتر آنها نیز خواهد شد.

واژگان کلیدی: داستان، یادگیری، روش تدریس، تاریخ، قصه

رایانامه نویسنده مسئول: baharcharkhab@gmail.com<sup>۱</sup>

رایانامه نویسنده مسئول: Fahime.charkhab@yahoo.com<sup>۲</sup>

همان طور که بیان شد تاریخ به عنوان حافظه‌ی فرهنگی تمدن جامعه انسانی محسوب می‌شود. در گذشته‌های دور افرادی بودند که در میان مردم شروع به بیان داستان‌های تاریخی معروفی از جمله داستان‌های شاهنامه و همچنین داستان‌های مربوط به زمان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می‌کردند که به چنین افرادی در گذشته نقل گفته می‌شد. حتی افرادی که در سطح پایینی از سواد قرار داشتند نیز از شنیدن این داستان‌ها نه تنها لذت برده بلکه آنها را در حافظه‌ی بلندمدت خود نگاه داشته تا این داستان‌ها را به نسل‌های بعد از خود نیز انتقال دهند. اما امروزه شاهد کم‌رغبتی اغلب افراد از جمله دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به تاریخ می‌باشیم. یکی از دلایل این امر، سخنوری ضعیف و طوطی‌وار استادان و معلمان می‌باشد که سبب ایجاد خستگی در میان محصلان می‌شود. بیان داستانی دروس تاریخ، موجبات علاقه‌مندی و پرسش و پاسخ‌های متعدد در میان محصلان را فراهم خواهد آورد. «در قصه و سرگذشت‌های آنها پند و عبرتی است برای خرمندان» (سوره یوسف، ۱۱۱). خداوند در قرآن برای جلب نظر و توجه مخاطبان، انتقال مفاهیم والای معنوی، تعلیم دستورات اخلاقی و تسریع در فهم و آسان‌سازی مطالب از قالب قصه و در قصص از سبک‌های مختلف ادبی و داستان‌گویی استفاده کرده است. هدف قرآن برای آشکارسازی مسائل زندگی و تبیین، جهت صحیح و بیان نظام معیار سبک زندگی و هدایت به سعادت و کمال با استفاده از بیان نمادین است و در حقیقت، نقل داستان از بهترین روش‌هایی است که به این هدف عینیت می‌بخشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «قرآن را یاد بگیرید که زیباترین گفتارهاست و در آن غور کنید که بهار دل‌هاست و از نورش شفا بگیرید که شفای قلب‌هاست و خوب و خوش بخوانید که پرفایده‌ترین قصه‌هاست» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰). در این میان سوالاتی مطرح می‌شود از قبیل اینکه یادگیری چیست؟ آیا ضرورت دارد محصلان تاریخ را فرا گیرند؟ آیا داستان‌گویی موجبات یادگیری بهتر در درس تاریخ را فراهم می‌آورد؟

#### پیشینه‌ی تحقیق

قصه، یک شیوه‌ی غیر مستقیم برای انتقال پیام‌های مهم در مورد نحوه‌ی یادگیری رفتار سازگاران در یک زمینه‌ی اجتماعی است، همچنین ابزار آموزشی و خلاقیتی است که از طریق آن می‌توان مهارت‌های مختلفی مانند مهارت‌های اجتماعی، حل مسأله و مهارت خود آگاهی و مهارت تصمیم‌گیری را به کودکان آموخت و آنها این مهارت‌ها را در دوران نوجوانی به کار بگیرند. در قصه‌گویی، سطح درک، آگاهی و لذت درونی کودک افزایش پیدا کرده و موجب افزایش اعتماد به نفس کودک و همچنین سبب تقویت قوه‌ی حافظه و هوش او می‌شود.

قصه‌گویی، عبارت است از هنر یا حرفه‌ی نقل داستان به صورت شعر یا نثر که شخص قصه‌گو آن را در برابر شنونده زنده اجرا می‌کند. داستان‌هایی که نقل می‌شود، می‌تواند به صورت گفت و گو، ترانه، آواز با موسیقی یا بدون آن، با تصویر و سایر ابزارها همراه باشد. ممکن است از منابع شفاهی، چاپی یا ضبط مکانیکی استفاده شود و یکی از اهداف آن می‌بایست سرگرمی باشد. در ۱۸:۵۰: گا. ان کهن، تاریخ سنت‌ها، مذهب، آداب قهرمانی‌ها و غرور قومی به وسیله‌ی قصه‌گوها از نسلی به نسل د<sup>۱۸</sup> نقل می‌شد (حجازی، ۱۳۸۴). کشور ایران دارای

## تأثیر داستان سرایی در تدریس و یادگیری درس تاریخ در مقاطع پایین تر

تاریخی بسیار طولانی است و قدمت تمدنی آن به چندین هزار سال می‌رسد. آثار تاریخی به جا مانده از این تمدن پرشکوه، بسیار متنوع و فراوان است. جایی از این سرزمین را نمی‌توان یافت که دارای آثاری اعم از ابنیه، اشیا و آثار تاریخی نباشد. شناخت این دنیای گسترده، آموزش و تعلیم و تربیتی مستمر و عمیق را می‌طلبد (خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲). بسیاری از صاحب‌نظران تربیتی معتقدند که فقر تفکر دانش‌آموزان نتیجه‌ی حاکمیت روش‌های سنتی در مدارس است. تحقیقات انجام شده در این زمینه، بیانگر آن است که هنوز بسیاری از معلمان بیشترین زمان کلاس خود را صرف ارائه‌ی مطالب یا شرح سؤال‌هایی می‌کنند که صرفاً جمع‌آوری مجدد حقایق ساده‌ی علمی را می‌طلبد و فقط یک درصد از زمان صرف شده در کلاس درس را به سؤال‌هایی اختصاص می‌دهند که به پاسخ متفکرانه نیاز دارند (شعبانی، ۱۳۹۸). بخش‌های قابل توجهی از قرآن کریم به بیان داستان‌های لطیف و آموزنده‌ای که ریشه در فطرت انسان دارند، اختصاص یافته و مفاهیم عقلی و مهمی از قبیل اثبات خدا، رسالت انبیا و معاد و بازگشت مردم در عرصه‌ی قیامت در قالب الفاظ شیرین و شیوه‌ی داستانی بیان گردیده است و هیچ‌گاه خداوند این مفاهیم را تنها در لوای استدلال‌های منطقی محض به کار نبرده است (کاظمی، ۱۳۷۹). امام علی (ع) در وصیت خود به امام حسن پیرامون نقش داستان در تربیت می‌فرماید: «پسرم قلب خویش را با موعظه زنده کن و اخبار گذشتگان را قلب خویش عرضه نما و مصایبی که به اقوام قبل از تو رسیده به او یاد آوری کن» (نهج البلاغه، ۳۹۳). با توجه به اینکه در ایران، دانش‌آموزان و سپس دانشجویان در درس تاریخ با حجم انبوهی از اسامی، سال‌ها مناطق و اطلاعات خام مواجه هستند، حفظ این انبوه اطلاعات ضمن این که خسته‌کننده و طاقت‌فرساست، در بسیاری از موارد یادگیرنده را از این درس گریزان می‌سازد. اگر خشک و بی‌هدف بودن مطالب را هم به موضوع فوق بیافزاییم، آن وقت از کلاس تاریخ چیزی نمی‌ماند؛ جز درسی منزجرکننده. در این میان هستند معلمان و اساتیدی که تاریخ را با تمام وجود خود تدریس می‌کنند اما باز هم با بی‌علاقگی مخاطبین خود روبه‌رو می‌شوند. در این موارد، باز هم بین موضوعات تدریس شده و فضای فکری دانشجویان تناسبی برقرار نیست. به طور کلی عوامل مختلفی در بروز این ضعف و کاستی نقش دارند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- روش تدریس درس تاریخ ۲- ایجاد ارتباط بین مباحث مطرح شده با مسائل روز؛ ۳- تعریف صحیح از شخصیت‌های تاریخی؛ ۴- ترویج و تشویق تفکر تحلیلی گرای و پرهیز از حفظ کردن وقایع؛ ۵- مراجعه به منابع و مآخذ اصلی و دست اول؛ ۶- پرهیز از قضاوت عجولانه به ویژه در مباحث تاریخ معاصر.

به راستی تاکنون در بین محققین و پژوهشگران تاریخ در ایران تا چه اندازه به مسائل فوق پرداخته شده و تا کجا این موارد مورد مذاقه قرار گرفته است؟ اگرچه در سال‌های اخیر مراکز علمی و فرهنگی متعددی در کار نگارش مباحث تاریخی بوده‌اند که در سطح دانشجویی و دانش‌آموزی قابل تقدیر است، انتشارات مدرسه‌ی برهان (وابسته به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)، مجموعه‌ی فرزنانگان، مجموعه‌ی تاریخ بخوانیم، مجموعه‌ی چهره‌های درخشان، مجموعه‌ی چلچراغ، از ایران چه می‌دانیم و... پایه‌گذاران و مشوق‌های درس تاریخ بوده‌اند (صالحی، ۱۳۸۵). وقتی دانشجوی ۱۹ تاریخ با استفاده از دانش و بینش تاریخی و جامعه‌شناختی خود به تحلیل روند سیاسی اجتماعی جامعه می‌پردازد، چه تحولی صورت گرفته است؟ مورد

فوق نمونه‌ای از یادگیری می‌باشد. یادگیری تغییری است که نیاز به زمان دارد و در طی فرآیندهای مختلف به وجود می‌آید. همچنین یادگیری باید محصول تجربه و نتیجه‌ی آن باشد در رفتار ارگانیزم باشد (شعبانی، ۱۳۹۸). بنابراین می‌توان یادگیری را فرآیند تغییرات نسبتاً ثابت و پایدار در توان رفتاری فرد بر اثر «تجربه» دانست (کیمبل، ۱۹۶۱، به نقل از هیلگارد و باور، ۱۹۷۵).

تاریخ، آموختن گذشته برای فهمیدن حال می‌باشد که واقعیت‌های زندگی امروز ما را میراث گذشته تشکیل می‌دهد و مورخان با استناد به منابع مکتوب و غیر مکتوب تلاش می‌کنند به درک روشنی از گذشته دست یابند تا بتوانند از تاریخ تصویری مبتنی بر حقیقت ارائه دهند (صالحی، ۱۳۸۸).

#### پیشینه‌ی پژوهش

نتایج پژوهش شکاری (۱۳۸۱) نشان داده است که در نظام آموزش و پرورش ایران خصوصاً دوره‌های آموزش ابتدایی و متوسطه، از روش‌های مختلف تدریس به ویژه روش سخنرانی و حفظی استفاده می‌شود و به دلیل الگوی ارتباطی یک طرفه حفظ کردن صرف معلومات تاریخی و ناکارآمد بودن آن، این روش‌ها از کارایی لازم برخوردار نیستند و در نهایت به منظور افزایش کارایی و نیز تنوع در روش‌های آموزشی، استفاده از روش ایفای نقش و سایر روش‌های فعال در آموزش تاریخ پیشنهاد شده است (شکاری، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

«بررسی تطبیقی تدریس تاریخ در کانادا و استرالیا» عنوان پژوهشی است که آنا کلارک انجام داده است: برای دانش‌آموزان شیوه‌ی تدریس معلم تأثیرگذارتر است تا محتوای تدریس شده. همچنین دانش‌آموزان دوست دارند تاریخ را با روش نقادی (نقد کردن) یاد بگیرند تا آنچه را اتفاق افتاده حفظ کنند. از این رو سعی بر آن شد که ضمن تأکید بر اهمیت و ضرورت آموزش تاریخ، با نگاهی گذرا به روش‌های تدریس تاریخ دوره‌ی متوسطه در ایران و چند کشور جهان بپردازیم و در نهایت پیشنهادهایی برای آموزش تاریخ در ایران ارائه دهیم (کلارک، ۲۰۰۸).

گیلبرت راب (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «آیا تدریس تاریخ در مدارس می‌تواند موفق باشد؟» می‌گوید، توسعه‌ی برنامه درسی در هر مدرسه نیاز به مجموعه‌ای از عوامل روشن و اساسی دارد. اهداف مدون و گسترده توافق مؤثر برای انتخاب محتوا و سازماندهی مفید و مؤثر محتوا. این پژوهش نشان می‌دهد که رشته‌ی تاریخ در مواجهه با این نیازها با چالش‌های جدی روبه روست. پراکندگی رویکردهای تدریس تاریخ، وظیفه‌ی اجماع بر سر مجموعه‌ای از اهداف روشن را مشکل کرده است (راب، ۲۰۱۱).

یافته‌های پژوهشی کیامنش (۱۳۷۷) در مطالعات تیمز، نشان از وضعیت نامناسب دانش‌آموزان ایرانی در مقایسه با سایر کشورهای مورد مطالعه دارد. او مشکل را روش‌های تدریس معلمان گزارش کرده است (کیامنش، ۱۳۸۱).

تجارب پژوهشی نشان می‌دهد، یادگیری با رویکرد <sup>۲۰</sup>ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا می‌بخشد و موجب می‌شود دانش‌آموزان از تجارب یادگیری خود لذت ببرند. همچنین، رشد مهارت‌های ارتباطی و

## تأثیر داستان سرایی در تدریس و یادگیری درس تاریخ در مقاطع پایین تر

اجتماعی، تقویت اعتماد به نفس، تقویت و گسترش مهارت‌های ذهنی و فیزیکی و طرز تفکر یعنی دانستن، توانستن و خواستن، از نتایج کلاس‌های مشارکتی محسوب می‌شود (زحمتکشان، ۱۳۹۰).

روش‌های تدریس تاریخ دوره‌ی متوسطه‌ی تکمیلی در ایران

برای تدریس تاریخ، روش یگانه و خاصی وجود ندارد. بلکه براساس موقعیت‌ها و موضوعات مختلف درسی می‌بایست از روش‌های متنوع استفاده شود. به طوریکه گاه چند روش مختلف را می‌توان به صورت تلفیقی در یک جلسه تدریس به کار گرفت. آنچه در انتخاب و به کارگیری روش تدریس اهمیت دارد این است که بتواند رابطه‌ای درست و دو جانبه میان معلم و دانش آموز برقرار کند و در دانش‌آموزان نیز ایجاد انگیزه برای توجه به موضوع درسی و تداوم یادگیری درباره‌ی آن نماید و آنها را از حالت شنونده‌ی محض خارج ساخته و در کلاس و خارج از آن فعال سازد. عمده روش‌های تدریس به شرح زیر است:

۱- روش توضیحی (سخنرانی) ۲- روش پرسش و پاسخ ۳- نمایش فیلم ۴- روش اجرای نمایش ۵- روش بازدید علمی ۶- روش گفت و گو (جوادیان و همکاران، ۱۳۸۰).

### تعریف تدریس

«تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرش‌ها، گرایش‌ها، باورها، عادت‌ها و شیوه‌های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می‌خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم دربر می‌گیرد» (میرزا محمدی، ص ۱۷، ۱۳۹۰).

تدریس مدرن تاریخ بر چهار اسلوب زیر است:

۱- **نقش بازی کردن:** در این روش، معلم حوادث تاریخی را بازسازی می‌کند و هر کدام از دانش‌آموزان را در نقش یکی از شخصیت‌های تاریخی قرار می‌دهد. دانش‌آموزان باید با مطالعه سرگذشت این فرد و مقطع زندگی او و حوادثی که بر او گذشته است، به جای او تصمیم بگیرند. این شکل می‌تواند حتی به صورت تئاتر نیز اجرا شود. در صورتی که این روش بتواند به خوبی اجرا شود و از سوی دانش‌آموزان جدی گرفته شود به علت درگیر شدن مستقیم دانش‌آموز با موضوعات می‌تواند بسیار اثر بخش باشد.

ایفای نقش به معنایی که در اینجا به کار می‌رود، به مهارت‌های خاص هنری مثل بازیگری در تئاتر و سینما نیازی ندارد، بلکه معلم بنا به موقعیت هدف و موضوع مورد نظر به عنوان یک روش از آن استفاده می‌کند (شعبانی، ۱۳۸۲)، تا موجب تکوین شخصیت فردی و اجتماعی فراگیران گردد. اگر دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی کردن را کسب کنند، در تمام شئون زندگی با موفقیت بیشتری زندگی می‌کنند. در این روش، دانش‌آموزان براساس علایق خویش، نقش‌های مورد نظر را انتخاب می‌کنند و با نظارت معلم و همکاری همکلاسان به ایفای نقش می‌پردازند. از این طریق، آ<sup>۲۱</sup> قوانین و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بهتر انجام می‌شود و به یادگیری موثر و کارآمد می‌انجامد؛ زیرا دانش‌آموزان ضمن شناخت هنجارهای اجتماعی به تحلیل

آنها می‌پردازند و در حین ایفای نقش نگرش خود را تثبیت می‌کنند و نوعی ارتباط عاطفی و انسانی با دیگران برقرار می‌سازند (فضلی خانی، ۱۳۸۲).

**۲- شبیه‌سازی کامپیوتری:** در این روش بازی‌های کامپیوتری ساخته می‌شوند که هر یک برای دوره‌ی خاصی از تاریخ طراحی شده‌اند. بازی‌ها طوری طراحی شده‌اند که فرد، تمام تاریخ آن دوره را عملاً یک دور بازی می‌کند و با تاریخ به جلو می‌آید. در بعضی از این بازی‌ها فرد نقش رهبر یک تمدن را بازی می‌کند و در رشد تمدن، خود را سهیم می‌بیند. از معروف‌ترین این بازی‌ها در ایران می‌توان دوران امپراطورها، بازی تمدن شهر سیم و اسطوره‌شناسی را نام برد.

**۳- کنفرانس:** این روش معلم موضوعاتی را تعیین می‌کند و دانش‌آموزان باید بر حسب نوبت تحقیقات در آن زمینه بکنند و نتیجه‌ی تحقیقات خود را در کلاس درس ارائه دهند. از مزایای این نوع تحقیق این است که محصلان در زمینه‌ی مربوط به خود تحقیق می‌کند و بر آن مسلط می‌شود و با شنیدن موضوعات تحقیق دیگران با مباحثی دیگر نیز آشنایی پیدا می‌کند.

#### اهمیت قصه و داستان در آموزش تاریخ

مولف پس از بررسی مشکلات و موانع تدریس غیر فعال در کلاس درس تاریخ، به ارائه راهکارهایی در این زمینه پرداخته است؛ سپس با تعریف قصه، خاستگاه قصه‌گویی برای فراگیران، داستان را وسیله‌ای برای آموزش و تربیت، پرورش تفکر خلاق و انتقادی، ایجاد نگرش، تقویت قوه‌ی تخیل، رشد تفاهم، تحسین میراث‌ها؛ شناخت شخصیت‌ها (مثبت و منفی)، شناخت درمان و اصلاح رفتار کودکان و نوجوانان به عنوان منبعی دست‌دوم در کلاس تاریخ معرفی کرده است. سپس شیوه‌ی بیان داستان و قصه در کلاس توضیح داده می‌شود و در آخر نیز فضای قصه‌گویی را در شکل‌های متفاوتی مانند نیم‌دایره در کلاس، فضای آزاد، خارج از مدرسه، بیرون از شهر، مصاحبه با افراد کهنسال برای استفاده از تجربیات آنها ذکر کند (صالحی، ۱۳۸۸).

#### نقش قصه در آموزش تاریخ

صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران آموزش تاریخ، در توضیح روش‌های جذاب و نوین، علاوه بر توجه به شیوه‌های نوین و پویای آموزشی، مانند «شیوه دانش‌آموز محور و مشارکتی»، روی بیان تاریخ در قالب قصه تأکید خاصی دارند؛ البته بیشتر در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی. گرچه استفاده از این شیوه، با توجه به وضعیت امکانات آموزشی مناطق گوناگون کشور علمی‌تر به نظر می‌رسد، اما رواج و تعمیم این راه حل به ظاهر ساده، به مقدماتی نیاز دارد که مهم‌ترین آنها علاقه‌مند کردن معلمان به قصه‌گویی، تجهیز آنان به فنون قصه‌گویی و در اختیار گذاشتن وقت و منابع کافی هستند. مزیت به کارگیری داستان در درس تاریخ، توانایی آن در ایجاد تصویرهای زنده در ذهن بچه‌هاست. از این‌رو معلمان<sup>۲۲</sup> م‌گفتن داستان، باید واقعیت‌ها و حقایق را رعایت کنند، چون در واقع، مطالب در مورد گذشته‌ای هستند که زمانی وجود داشته است. تاریخ امری تخیلی و جعلی نیست. باید به آنچه از اسناد تاریخی به دست آمده است، توجه و آن را صحیح فرض کرد. البته ممکن

## تأثیر داستان سرایی در تدریس و یادگیری درس تاریخ در مقاطع پایین تر

است داستان گو بدون این که مدرکی دال بر بیان کلمات خود داشته باشد، سخنانی را از زبان شخصیت بیان کند، یا شخصیت‌های تاریخی را ابداع و آنها را در موقعیت‌های واقعی قرار دهد (نوروزی، ۱۳۸۲: ۱۴). داستان‌گویی که در ردیف وسایل توضیح و تشریح مطرح است، به تثبیت و افزایش معلومات کودکان و نوجوانان یاری می‌رساند. به علاوه، چون با طبیعت کودک نزدیکی دارد، موضوع مطالب را جالب و دوست‌داشتنی می‌کند و با تحریک امیال طبیعی آنان و عواطفشان، رغبت به یادگیری پدید می‌آورد. آموزش از طریق قصه‌گویی، مطالب را زنده، شوق‌انگیز و جذاب می‌کند. به خاطر وجود همین رابطه بین قصه‌گو و شنونده‌ی آموزش، با محبت و صمیمیت متقابل توأم می‌شود (اردکانی دهستانی، ۱۳۸۹).

### نتیجه گیری

همانطور که پیشتر نیز بیان شد، متأسفانه روش تدریس درس تاریخ در مدارس کشور توسط استادان و معلمان به صورت سنتی و طبق روال گذشته روخوانی کتاب دنبال می‌شود و در تعداد کمی از مدارس مشاهده می‌کنیم که معلمان با عشق و علاقه و البته با روش‌های بروز و جدید مطالب این درس را در اختیار محصلان قرار می‌دهند. اگر در کشور ایران که یک کشور با آثار تاریخی و میراث کهن می‌باشد، این درس به شیوه‌ی بسیار مفیدتری در اختیار محصلان قرار گیرد، نه تنها موجبات یادگیری آنها را فراهم می‌آورد، بلکه شور و اشتیاق بیشتری برای پرسش و پاسخ و حتی برگزاری مناظرات علمی در زمینه‌های مختلف تاریخی را در میان محصلان ایجاد خواهد کرد. یکی از دلایل ضعیف تدریس داده شدن درس تاریخ توسط اساتید و معلمان، شیوه‌ی تدریس ضعیف آنها می‌باشد. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت در خصوص آموزش تاریخ و همچنین برگزاری کارگاه فنون تدریس در تاریخ می‌تواند بسیار برای معلمان و استادان مفید و پربار باشد؛ چرا که شرکت در چنین کارگاه‌هایی می‌تواند تدریس آنها را قوی‌تر کرده و از طرفی محصلان را برای شناخت هر چه بیشتر تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران آماده‌تر می‌کند. دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان زمانی که با سخنرانی‌های معلم و استاد خود در درس تاریخ مواجه می‌شوند، نه تنها خستگی در آنها ایجاد می‌کند، بلکه فقط و فقط به فکر حفظ کردن این درس و کسب یک نمره‌ی قبولی هستند. در کشور پاکستان یکی از روش‌های تدریس تاریخ این است که معلم باید طرح درس خود را در جهت اهداف برنامه درسی ملی بنویسد. همچنین مشارکت فعال محصلان نیز، کلید موفقیت محصلان در درس تاریخ می‌باشد و اگر در کشور ایران نیز این شیوه به اجرا درآید، طبیعتاً اثرات مثبتی بر جا خواهد گذاشت. همچنین، یکی از بهترین روش‌های یادگیری درس تاریخ، داستان‌گویی می‌باشد. اگر معلمان با استفاده روش ایفای نقش، به داستان‌گویی در خصوص شخصیت‌های مهم تاریخی برای محصلان بپردازند، بی‌تردید یادگیری و علاقه‌ی آنها را نسبت به این درس دو چندان می‌کند. داستان‌گویی در ایران قدمتی طولانی دارد؛ چرا که ۲۳ ط در تاریخ، بلکه در بسیاری از دروس نیز شاهد مطالب تاریخی فراوانی از شخصیت‌های مختلف می‌باشیم که افراد را قبل از فراگیری در یک درس ابتدا با شخصیت‌های تاریخی آن از قبیل رستم و اسفندیار در ادبیات، با سقراط و افلاطون در فلسفه، اهل بیت عصمت



و طهارت در دینی، مواجه می‌سازد. امید می‌رود که معلمان و استادان پر تلاش در درس تاریخ، از تمام راهبردهای موجود در جهت یادگیری دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان در درس تاریخ استفاده کنند.



## تأثیر داستان سرایی در تدریس و یادگیری درس تاریخ در مقاطع پایین تر

جوادیان و همکاران (۱۳۸۰)، راهنمای برنامه درسی تاریخ دوره متوسطه؛ سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.

خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۷۹)، دبیران تاریخ، مرزبان تاریخ و فرهنگ/ایران، مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ششم.

حجازی، بنفشه (۱۳۸۴)، ادبیات کودکان و نوجوانان، چاپ هشتم، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.

اردکانی دهستانی، نرگس (۱۳۸۹)، نگاهی به نقش آموزشی قصه در برنامه درسی دوره ابتدایی، مجله رشد آموزش ابتدایی، دوره ۱۳، شماره ۸.

زحمتکشان، مزده (۱۳۹۰)، دو روش در تدریس تاریخ، مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۴۴.

شکاری، عباس (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی روش‌های تدریس تاریخ با تکیه بر روش ایفای نقش، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.

شعبانی، حسن (۱۳۹۸)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی (جلد اول روش‌ها و فنون تدریس)، انتشارات سمت، چاپ سی و سوم.

صالحی، نصرالله (۱۳۸۸)، راهکارهای آموزش تاریخ، تهران، نشر شورا، چاپ اول.

صالحی، نصر الله (۱۳۸۵)، آموزش تاریخ؛ مجله رشد آموزش تاریخ، ش ۲۴.

فضلی‌خانی، منوچهر (۱۳۸۲)، راهنمای عملی روش مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، تهران، انتشارات آزمون نوین.

کیامنش، علی رضا (۱۳۸۱)، ارزشیابی از فاز سوم طرح آموزش همه جانبه و مشارکتی دستاوردها و چشم‌اندازها، فصل نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۱.

کاظمی، شهاب (۱۳۷۹)، آفرینش هنری در داستان/ابراهیم (ع)، قم، انتشارات احسن الحدیث، چاپ اول.

میرزا محمدی، محمد حسن (۱۳۹۰)، روش‌ها و فنون تدریس، تهران، انتشارات پوران پژوهش.

نوروزی، جمشید (۱۳۸۲)، ادبیات کودکان (رویکردی بر قصه‌گویی و نمایش خلاق)، نشر چاپار، تهران.

هیلهگارد، ارنست و آروباور (۱۳۶۷)؛ نظریه‌های یادگیری، ترجمه محمد تقی براهنی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

aaaa Crrrc 88888888 oaaaa ii dddd tttt rr y aaacgggg rrrr riia an Caaaa Caaaa:  
rrrrrrrrrrrr rrryeaucat Pppppp

rrrrrr rrrr((((((( 1aaaaaaayuu?bbbbbbbbbbbeetttt tt rrrr riia,,  
ttt oycrr cccmmmaaaaaaiaaaaaaiaaaaaaiaaiitttttt tt yssyl 555-888.